

# دو کوهه پیشرفت

«جزوه شبکه سازی»



## «نظریه شبکه‌سازی در مسیر پیشرفت»

براساس مجموعه گفت‌وگوها و مقالات پیرامون چیستی و چگونگی شبکه‌سازی و فرایندهای ایجاد آن

تهیه و تنظیم: مرکز گفتمان‌سازی گام دوم؛ دوکوهه پیشرفت

مرداد ماه ۱۴۰۱

## ۱. مقدمه

قواعد دنیای امروز بیش از هر چیز بر پایه مبانی اقتصاد سودمحور بنا شده است؛ لذا بیراه نیست که مفاهیم عمیقاً فرهنگی نیز ابتدائاً معانی اقتصادی به خود بگیرند. با یک جست‌وجوی ساده پیرامون شبکه‌سازی<sup>۱</sup> در فضای اینترنت، اولین چیزی که به چشم شما خواهد آمد موضوعاتی از قبیل «شبکه‌سازی برای کسب‌وکار»، «شبکه‌سازی برای پیشرفت شغلی»، «شبکه‌سازی تجاری» و ... خواهد بود. به‌نحوی که در برخی دانشنامه‌ها، شبکه‌سازی یک فعالیت حرفه‌ای اقتصادی تعریف می‌شود. از سوی دیگر، رویکرد رسانه‌های اجتماعی و اینترنت بر موضوع شبکه و شبکه‌های اجتماعی غلبه دارد؛ به‌نحوی که اولین چیز در مواجهه با این واژگان که به ذهن متبادر می‌شود، شبکه‌های اجتماعی آنلاین همچون تلگرام، اینستاگرام، توییتر و ... است. مفهومی که از شبکه‌سازی به دنبال آن هستیم، اگرچه نقاط اشتراکی با رویکردهای فوق دارد، اما اساساً مسیر متفاوتی را دنبال می‌کند؛ شبکه‌سازی در بحث پیش رو، اساساً ابتناء بر فرهنگ و عناصر مؤثر دارد و در میدان مسائل واقعی اجتماعی و نه مجازهای و برساخت‌های رسانه‌ای تحقق پیدا خواهد کرد. با گذر از نگاه‌های سطحی و عمومیت‌یافته ناظر به شبکه‌سازی، امروزه فعال‌ترین و اثرگذارترین جریان‌های فرهنگی در جهان را مجموعه‌هایی ایجاد می‌کنند که موفق به ایجاد شبکه‌هایی کیفی و کارآمد از نخبگان و فعالان فرهنگی شده‌اند. تذکر به این نکته از اهمیت زیادی برخوردار است که ادبیات مدیریتی شبکه‌سازی و ادبیات علمی تحلیل شبکه، ادبیات نوپایی است اما این نوع شیوه مواجهه، شیوه دیرپایی است.

شکل شماره ۱- سیر ادبیات شبکه‌سازی

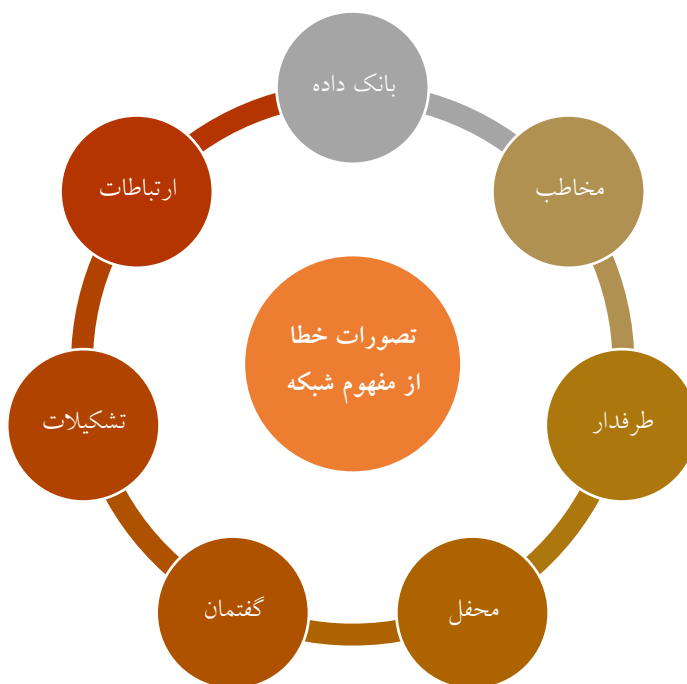


<sup>۱</sup> Networking

## ۲. چیستی شبکه‌سازی

پرداختن به چیستی شبکه‌سازی می‌تواند از مسیر ایجاب و تعریف اثباتی آن باشد؛ چنان‌که در قریب به اتفاق مطالعات انجام شده، با این رویکرد معنابخشی به این مفهوم انجام شده است. لکن رویکرد دیگری در معنابخشی به مفاهیم وجود دارد که از مسیر نفی به مفهوم یک پدیده می‌توان دست یافت؛ این جمله در زبان اهل علم شایع است که «تُعرف الأشياء بأضدادها» یعنی اشیا از راه نقطه مخالف و نقطه مقابلشان شناخته می‌شوند و به وجود آنها پی برده می‌شود.<sup>۱</sup> چنان‌که امروز مبتنی بر معناها و عینیت‌های ناروا از مفهوم شبکه‌سازی است، در گام اول می‌بایست به نفی این معانی پرداخته شود. این مسیر به ما خیلی کمک می‌کند تا به فهم صحیحی از شبکه دست یابیم. ذیل مفهوم شبکه‌سازی، یک بحث عرفی دهان‌به‌دهان در حال پخش شدن است و گفت‌وگوها دلیل آن انجام می‌شود؛ باید از این زبان عرفی عبور کرد و زبان علمی را جایگزین آن کرد؛ هرچند این زبان علمی در جهان دیرپا است اما در ایران ادبیات نوپایی به شمار می‌آید.

شکل ۲- تصورات رایج خطا پیرامون شبکه‌سازی



<sup>۱</sup> مقصود از ضد در اینجا مطلق نقطه مقابل است؛ و منظور از شناختن مطلق پی بردن است. مثلاً نور و ظلمت. این دو را بشر به مقایسه یکدیگر می‌شناسد. اگر همیشه جهان و هر نقطه‌ای از جهان نورانی بود، هیچ گاه تاریک نمی‌شد، یک نورانیت یکنواخت در همه نقطه‌ها بود و ظلمت به هیچ وجه نبود، انسان خود نور را هم نمی‌شناخت؛ یعنی نمی‌توانست تصور کند که نوری هم در عالم هست.

## ۲-۱. تصورات رایج خط پیرامون شبکه‌سازی

امروزه که لزوم به پرداخت علمی به مفاهیم، بیش‌ازپیش احساس می‌شود، باید مفاهیمی همچون شبکه، شبکه‌سازی، مدیریت شبکه، هدایت شبکه و ... نیز با نگاه علمی مورد بررسی قرار گیرند؛ چراکه در رابطه با مفهوم شبکه اشتباهات رایج زیادی وجود دارد که ابتدائاً باید این تصورات رایج خطا را به چالش کشید و در بوتۀ نقد و نفی قرار داد. در ادامه به هفت تصور رایج خطا پیرامون شبکه‌سازی که سبب برنامه‌ریزی‌های اشتباه در جبهه فکری - فرهنگی انقلاب اسلامی و جریان‌ها و مجموعه‌های آن گردیده است اشاره می‌شود.

### ۲-۱-۱. شبکه به معنای بانک داده

در یک رویکرد، مفهوم شبکه مترادف را با داده و عناصر فعال در نظر آورده می‌شود؛ لذا برای ایجاد شبکه به جمع‌آوری بانک داده کفایت می‌کنند و در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده را طبقه‌بندی، دسته‌بندی و تحلیل می‌کنند. در این رویکرد، داده‌ها همان شبکه هستند و کسی که این داده‌ها را در اختیار قرار دارد، صاحب شبکه است؛ مبتنی بر همین رویکرد، در موارد متعدد با این گزاره روبه‌رو خواهید بود که «فلان شخص صاحب شبکه است» اما در واقع او به جز در اختیار داشتن بانک داده و سامان‌دادن به آن، امر مهم دیگری را در اختیار ندارد؛ لذا باید به این امر مهم التفات داشت که بانک داده، به معنای شبکه‌سازی نیست؛ بلکه این تصور، یک اشتباه مصطلح در سازمان‌هاست که بخشی را به‌عنوان جمع‌آوری داده ایجاد می‌کنند و می‌پندارند صرفاً در اختیار داشتن انحصاری این داده‌ها، برای آن‌ها مزیتی تحت عنوان شبکه‌سازی دارد؛ لذا پرهیز بسیاری دارند که بانک‌های داده خود را در اختیار دیگران قرار دهند.

### ۲-۱-۲. شبکه به معنای مخاطب

رویکرد دیگر به مفهوم شبکه‌سازی، یکسان‌انگاری آن با مفهوم جذب مخاطب است. برخی معتقدند کسانی صاحب شبکه هستند که دارای مخاطب قابل توجه و قدرت جذب مخاطبان هستند؛ مبتنی بر این رویکرد، کسی که مخاطبان زیادی دارد و در مرحله بعد با آن‌ها گفت‌وگو و تعامل دارد، توانسته در عرصه شبکه‌سازی وارد شود. لکن شبکه‌سازی صرفاً مخاطب، فالور<sup>۱</sup>، پامبری، بیننده و ... داشتن نیست؛ به‌عنوان مثال، اینکه یک سخنران معروف

<sup>۱</sup> دنبال‌کننده (follower)

و برجسته دارای هزاران مخاطب در پای صحبت‌های خود است، یا آلبوم یک خواننده بیش از سه میلیون بار دانلود شده است، نباید ذهن را معطوف به این امر کند که آن‌ها دارای شبکه گسترده‌ای از افراد هستند.

### ۳-۱-۲. شبکه به معنای طرف‌دار

سومین رویکرد خطا در معنابخشی به مفهوم شبکه، مترادف گرفتن آن با پدیده طرف‌داری است. در این رویکرد، کسانی که صاحب طرف‌دار هستند قائل‌اند سلبریتی یا اینفلوئنسری که میزان فالور قابل توجهی دارد پس دارای شبکه قدرتمندی است؛ همچون شخصیت‌های ورزشی، بازیگران، افراد مؤثر در شبکه‌های مجازی و ... که منطق هواداری بر کنش‌های آن‌ها حاکم است. اما باید در نظر داشت که شبکه، به معنای طرف‌داری و داشتن فالوورهای زیاد نیست تا مبتنی بر آن رقابت برای افزایش هواداران شکل گیرد.

### ۴-۱-۲. شبکه به معنای محفل

برخی دیگر معنای شبکه‌سازی را مترادف با شکل‌گیری انواع مختلف محفل در نظر می‌آورند؛ همچون ایجاد پاتوق‌ها، نشست‌ها، همایش‌ها، هیئت‌ها و ... اما هیچ‌کدام از این امور به‌تنهایی به معنای شبکه نیست. به‌عنوان مثال، هیئتی که ۲۰ هزار شبکه دارد یا مسجدی که ۳۰۰ نفر در آن اقامه نماز می‌کنند یا مجموعه‌ای که شب شعر برگزار می‌کند و افراد زیادی در آن شرکت می‌کنند و ... هیچ‌کدام الزاماً به معنای شبکه‌سازی نیستند. همه این امور می‌توانند شبکه باشند اما به‌تنهایی نباید آن‌ها را شبکه دانست.

### ۵-۱-۲. شبکه به معنای گفتمان

از مفاهیم دیگری که ارتباط نزدیکی با مفهوم شبکه دارد و به همین دلیل در بسیاری از مواقع آن‌ها را یکسان می‌انگارند، مفهوم گفتمان است. گاهی ادبیاتی در افواه مردم رواج پیدا می‌کند و تبدیل به گفتمان حاکم می‌شود؛ همچون ایام انتخابات که گفتمان‌ها با یکدیگر تنازع دارند و ما آن‌ها را به‌اشتباه به وجود شبکه‌ها معنا می‌کنیم. اساساً رواج گفتمان‌ها، ادبیات‌ها، معانی، نرم‌افزارها، فکرها و ... را نباید مترادف با ایجاد یا گسترش شبکه دانست.

## ۶-۱-۲. شبکه به معنای تشکیلات سازمان

پدیده دیگری که شبکه نیست اما به صورت غلط مصطلح و به معنای عام آن به عنوان شبکه سازی رواج پیدا کرده است، پدیده تشکیلات سازی و ساختارهای سازمانی است. معنای شبکه را نباید مترادف با تشکیلات یا سازمان دانست. امروز تشکیلات و سازمان های بسیاری وجود دارند که از معنای شبکه به دور هستند. به این معنا که به تنهایی برای تبدیل شدن به شبکه کفایت نمی کنند و اگر کسی بخواهد شبکه تشکیل دهد باید علاوه بر این ها اتفاقات دیگری را رقم بزند. سازمان ها مشخص است که قواعد سازمانی بر آن ها استیلا دارد و دارای یک نظام ارزشی و آداب اجتماعی است که فرهنگ و نظامات فضیلت را بر اساس قاعده هرم حاکم می کند. به عنوان مثال، در دین انسان ها بر اساس تقوا، عمل صالح، جهاد و سعی شان در راه دین فضیلت پیدا می کنند اما در سازمان، دفتر رئیس در بالاترین طبقه و به ترتیب معاونت ها، مدیرکل ها، دبیرخانه و ... قرار می گیرند و در نهایت اگر آن سازمان نمازخانه داشته باشد، در طبقه زیرین قرار می گیرد. در این نظام انسان ها عادت داده می شوند به نرمالیزیشن<sup>۱</sup> و ارزیابی آن ها بر اساس ساعت کار مشخصی است و به تعبیر نیچه انسان ها گوسفندوار تربیت می شوند و اخلاق و تعهدات انسان ها را به سمت قواعد استعدادگش سوق می دهد که در آن انسان ها اسیر عادات هستند. در قواعد سازمانی، نیرویی خوب است اسیر عادات است. زمانی می توان قواعد سازمان را دگرگون کرد و آن را به سمت نظام پرورش خلاقیت ها و استعدادها و مبتنی بر اخلاق اسلامی حرکت داد که انسان های مسئول، اراده خود را بر ساختارها و عادات غلبه دهند و این میسر نمی شود مگر به شرط اراده، حرکت، عزم، جسارت، هجرت، شجاعت و حرکت. کسانی که بتوانند قوانین سازمانی را دگرگون کنند، در ادامه می توانند نیروهای خلاق شبکه را بسازند.

## ۷-۱-۲. شبکه به معنای ارتباطات

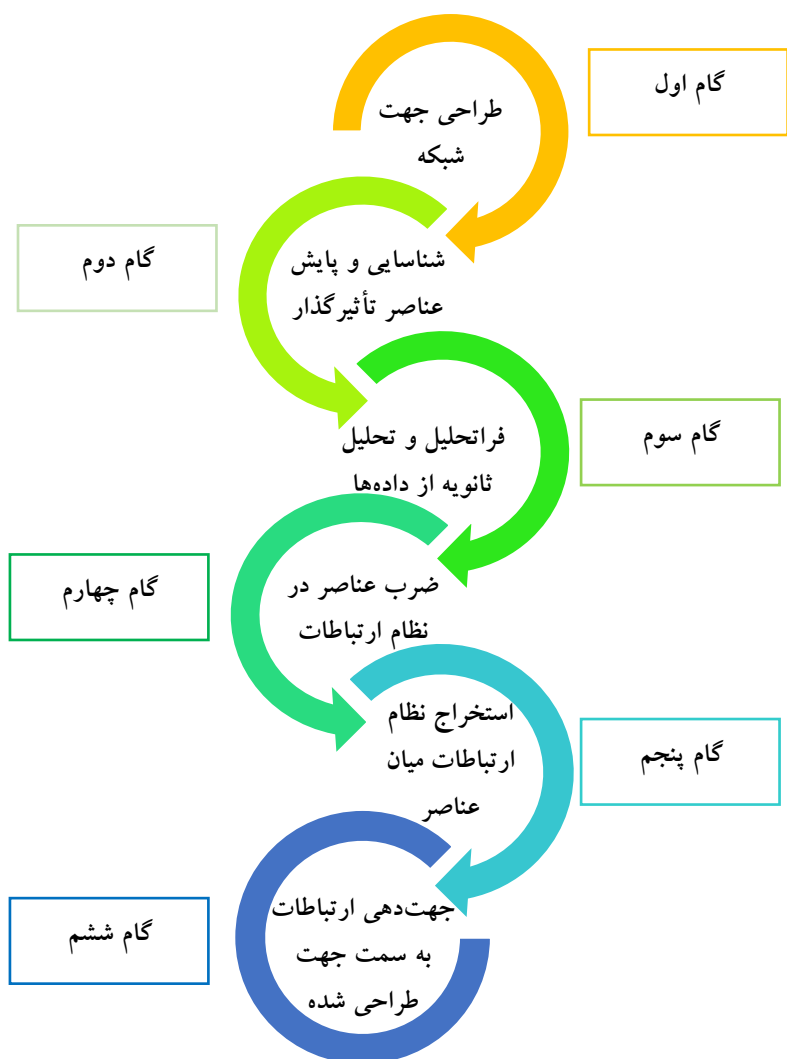
از نزدیک ترین مفاهیم و پدیده ها به معنای شبکه، مفهوم ارتباطات است؛ به این معنا که فردی ممکن است ارتباطات زیادی در اطراف خود با آدم ها و در نقاط جغرافیایی مختلف داشته باشد اما هنوز نمی توان گفت این افراد الزاماً دارای شبکه هستند. ارتباطات نزدیک ترین مرحله به شبکه سازی است اما برای تبدیل شدن به شبکه نیازمند امور دیگری است که بدون آن ها نمی توان صرف ارتباطات را شبکه سازی دانست.

---

<sup>۱</sup> Normalization

## ۲-۲. تعریف علمی شبکه‌سازی

تمام پدیده‌ها و مفاهیم ذکر شده می‌توانند تبدیل به شبکه شوند ولی هیچ‌کدام به‌تنهایی شبکه نیستند. به‌عبارت‌دیگر، تمام این امروز، مقدمه‌ای برای شکل‌گیری شبکه است. شبکه در تعریف علمی و دقیق آن، زمانی محقق می‌شود که علاوه بر توجه و فهم ارتباطات، وارد جریان «مدیریت و هدایت ارتباطات معطوف به جهتی مشخص» شویم. به‌عنوان مثال، ارتباطات اعضای خانواده با یکدیگر و شناخت آن‌ها از یکدیگر زمانی به ساحت شبکه وارد می‌شود که این خانواده با یکدیگر در یک جهت، شروع به کنشگری مشخصی می‌کنند و ارتباطات آن‌ها معطوف به آن کنشگری بازتعریف می‌شود و از نو هدایت و مدیریت می‌شود. به‌عنوان مثال از میان هزاران خانواده ایرانی، خانواده «علمی» است که یک خانواده شبکه‌ای هستند؛ خانواده‌ای که امروز با در اختیار داشتن انتشارات زیاد، جریان بزرگ انتشارات در کشور را به دست گرفته‌اند.



شکل ۳- فرایند شبکه‌سازی



## ۱-۲-۲. روند شبکه‌سازی

شاخص‌های متعددی را برای شبکه‌سازی می‌توان ذکر کرد. ابتدائاً باید به شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها و عناصر فعال در یک میدان پرداخت و مبتنی بر آن یک تحلیل دقیق و قابل‌اعتنایی از آن‌ها ارائه کرد. این تحلیل داده، باید معطوف به جهت مشخصی باشد؛ لذا ممکن است اسامی زیادی گردآوری و تحلیل شده باشند اما نسبتی با شبکه‌سازی نداشته باشند اما به‌عنوان مثال، اگر جهتی که در ذهن طراح شبکه است، آن را به سمت کار رسانه‌ای سوق می‌دهد، باید تأثیرگذار را معطوف به استعدادهای رسانه‌ای شناسایی و پالایش کند و بر اساس آن یک فراتحلیل یا تحلیل ثانویه از داده‌ها ارائه دهد. پس از آن باید عناصر را در نظام ارتباطات ضرب کرد و به تحلیلی در رابطه با نظام ارتباطات دست یافت و نظام ارتباطات میان عناصر را استخراج و پالایش کرد؛ تمامی این مراحل باید معطوف به جهت تعیین شده باشد.

مانند اینکه مجموعه عناصر فعال جبهه فرهنگی در حوزه رسانه، شروع به فعالیت و تولید آثار در موضوع خانواده کنند. حال به عناصری که نقش پررنگ‌تری دارند، وزن بیشتری داده می‌شود همچون بانوان و افرادی که روایت‌گر نقش بانوان هستند. حال مجدد در مقیاس این عناصر شاخص، روابط میان آن‌ها، شبکه‌های کلان و خرده‌شبکه‌هایشان استخراج می‌شود تا بتوان نظام ارتباطات بین آن‌ها را به سمت جهت از پیش تعیین شده مدیریت کرد تا بتوانند در این راستا مؤثر عمل کنند و شبکه‌ای از کنشگران رسانه‌ای در عرصه خانواده به تولید محصول روی بیاورند. در این وضعیت است که می‌توان از شبکه‌سازی سخن به میان آورد.

مثال دیگر در این زمینه، مساجد یا هیئات به‌عنوان یکی از محافل مهم هستند. در مسجد یک روحانی و عده‌ای مأموم وجود دارند که نماز می‌خوانند؛ تا لحظه‌ای که صرفاً امام جلو ایستاده و آنها اقتدا به او کرده‌اند، هیچ شبکه‌ای در میان نیست. آن لحظه‌ای که امام جماعت برمی‌گردد برای آن‌ها سخنرانی می‌کند نیز شبکه‌ای شکل نگرفته است. آن لحظه‌ای که امام جماعت شروع می‌کند این مأمومین را بشناسد و آن جهت معین را هم در نظر داشته باشد، شبکه‌سازی شروع می‌شود. زمانی که امام جماعت در رابطه با موضوعی مثل اقتصاد مقاومتی و پایین آوردن هزینه‌های زندگی مردم در مسجد با آن‌ها سخن می‌گوید و طرح یک اقدام را در ذهن آن‌ها می‌گنجاند و به شناسایی آن‌ها بر اساس توانمندی‌ها و مهارت‌های اقتصادی‌شان روی می‌آورد، آن‌ها را پالایش می‌کند، عناصر تأثیرگذار را وزن می‌دهد و نظام ارتباطات میان مأمومین را حول رفع مسأله اقتصادی و کاهش هزینه‌های معیشتی

سامان می‌دهد، شروع به شبکه‌سازی کرده است. مثلاً یک نفر در بازار عدس می‌فروشد، حاضر می‌شود به شبکه مسجد تخفیف دهد؛ دیگری در مکانیکی فعالیت دارد، تنها هزینه وسایل را برای مسجدی‌ها لحاظ می‌کند و ... این امر باعث می‌شود شبکه وسیعی حول محور نقش‌آفرینی مسجد خلق شود و روابط جدیدی میان اهل مسجد شکل گیرد. اینکه نظام ارتباطات و وزن عناصر و محیط آن‌ها به نحوی سامان پیدا کند که عناصر به سمت آن هدف حرکت کنند، جهت داشته باشند و در مسیری قرار گیرند که به سمت هدفی که مدنظر است حرکت کنند و روابط میان آن‌ها تغییر پیدا کند، شروع تشکیل یک شبکه خواهد بود.

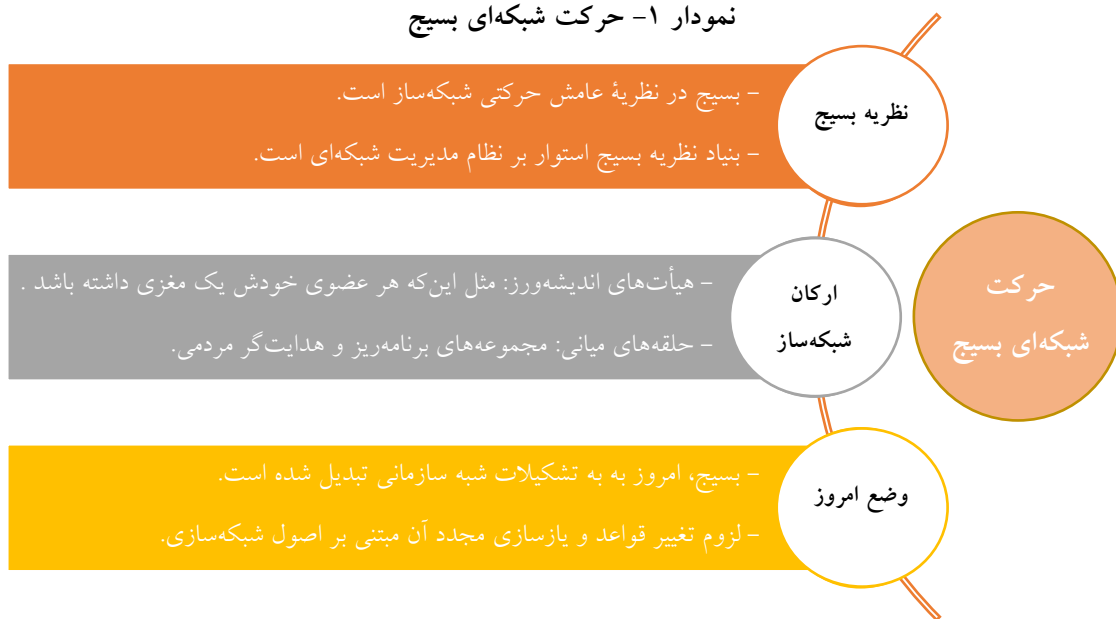
## ۲-۲-۲. مصادیق و تمثیل‌هایی از حرکت شبکه‌ای

امروزه در دنیا راجع به اینکه سازمان‌ها چگونه می‌توانند تبدیل به شبکه شوند مقالات و گفتارهای متعددی پیرامون اینکه اساساً سازمان‌ها و تشکلهای شبکه نیستند و همچنین اینکه چگونه بهره‌وری سازمان می‌تواند با مدیریت شبکه افزایش پیدا کند، می‌توان جست و مطالعه کرد. لکن در جامعه ما، یکی از قدیمی‌ترین و پرقدردترین تشکیلات، «بسیج» بوده است. بسیج در نظریه اصلی و عامش کاملاً یک حرکت شبکه‌ای است؛ اساساً بنیاد نظری بسیج، بر نظام مدیریت شبکه‌ای استوار است اما آنچه امروز در بسیج در حال تحقق است، حرکت تشکیلاتی<sup>۱</sup> و شبه سازمانی به معنای مرسوم آن است. تشکیلات برای اینکه تبدیل به شبکه شود، نیازمند تغییر قواعد حرکت خود است و بازسازی مجدد خود است. از قضا به نظر می‌آید بحثی که مقام معظم رهبری در موضوع حلقه‌های میانی مطرح کرده‌اند بسیار به مدل حرکت شبکه‌سازی گره‌خورده است و اساساً با منطق شبکه‌سازی امکان تحقق دارد. برخی بر این باور ناصواب هستند که می‌توان جریان اندیشه‌ورزی و هیئت‌های اندیشه‌ورز و یا مجموعه حلقه‌های میانی را با ادبیات سازمانی یا تشکیلاتی یا کمپینی مدیریت کرد و تقریباً در تمام حرکت‌هایی که در کشور پیش رفته است، این منطق با شکست روبه‌رو بوده است. در صورتی که باید به سمت سامان دادن جریان شبکه‌ای در حلقه‌های میانی رفت و در این مدل، بتوان ارتباطات شبکه‌ای قدرتمندی برای جهت‌دهی، هدایت و حرکت جبهه ایجاد کرد.

---

<sup>۱</sup> تشکیلات مدل‌های گوناگونی دارد؛ همچون: مدل‌های سازمانی و شبه‌سازمانی، مدل‌های غیرهم‌سطح همچون هیأت‌ها، تشکیلاتی که قواعد و نظم تشکیلاتی در آن سفت و سخت است، تشکیلاتی که ماموریت‌محور و تکلیف‌محور هستند به جای جایگاه‌محور و ...

## نمودار ۱- حرکت شبکه‌ای بسیج



سازمان‌ها مشخص است که قواعد سازمانی بر آن‌ها استیلا دارد و دارای یک نظام ارزشی و آداب اجتماعی است که فرهنگ و نظامات فضیلت را بر اساس قاعده هرم حاکم می‌کند. به‌عنوان مثال، در دین انسان‌ها بر اساس تقوا، عمل صالح، جهاد و سعی‌شان در راه دین فضیلت پیدا می‌کنند اما در سازمان، دفتر رئیس در بالاترین طبقه و به ترتیب معاونت‌ها، مدیرکل‌ها، دبیرخانه و ... قرار می‌گیرند و در نهایت اگر آن سازمان نمازخانه داشته باشد، در طبقه زیرین قرار می‌گیرد. در این نظام انسان‌ها عادت داده می‌شوند به نرمالیزیشن و ارزیابی آن‌ها بر اساس، ساعت کار مشخصی است و به تعبیر نیچه انسان‌ها گوسفندوار تربیت می‌شوند و اخلاق و تعهدات انسان‌ها را به سمت قواعد استعدادگش سوق می‌دهد که در آن انسان‌ها اسیر عادات هستند. در قواعد سازمانی، نیرویی خوب است اسیر عادات است. زمانی می‌توان قواعد سازمان را دگرگون کرد و آن را به سمت نظام پرورش خلاقیت‌ها و استعدادها و مبتنی بر اخلاق اسلامی حرکت داد که انسان‌های مسئول، اراده خود را بر ساختارها و عادات غلبه دهند<sup>۱</sup> و این میسر نمی‌شود مگر به شرط اراده، حرکت، عزم، جسارت، هجرت، شجاعت و حرکت. کسانی که بتوانند قوانین سازمانی را دگرگون کنند، در ادامه می‌توانند نیروهای خلاق شبکه را بسازند<sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> بِغَلْبَةِ الْعَادَاتِ الْوُضُوءُ إِلَى أَشْرَفِ الْمَقَامَاتِ (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۰۲ - عیون الحکم و المواعظ، ج ۱، ص ۱۸۹).

<sup>۲</sup> در دولت یازدهم و دوازدهم، اگرچه وزارت ارشاد برقرار بود و وزیر آن را اداره می‌کرد، اما نزد آگاهان این مشاور رسانه‌ای رئیس جمهور بود که عرصه فرهنگ را هدایت و پیش می‌برد؛ چراکه توانسته بود مبتنی بر مدیریت شبکه‌ای بر قواعد سازمانی فائق آید و در نظام ارتباطاتی جدید، علاوه‌براینکه با وزرا و معاونین آن‌ها وارد تعامل شود و بدنه از طرف دیگر با بدنه هنرمندان نیز ارتباط برقرار کرده و در فرایندی آن‌ها را به سمت مشخصی سوق دهد...

شبکه تمثیل‌های متعددی دارد اما از جمله تمثیل‌های معروف آن، تمثیل بدن انسان است؛ روابط قلب و شبکه رگ‌ها، روابط مغز و شبکه اعصاب. از تمثیل‌های معروف، تمثیل شجره است؛ همچون روابط درخت، ریشه، تنه، شاخه و برگ‌ها. به‌ویژه درخت انگور در این حوزه خیلی تمثیل نزدیک‌تری است تا به خود خوشه و دانه انگور می‌رسد. برخی نیز در تمثیل‌های شبکه‌سازی وارد تمثیل کهکشان و منظومه می‌شوند.

### ۳. بنیان نظریه شبکه‌سازی مقام معظم رهبری

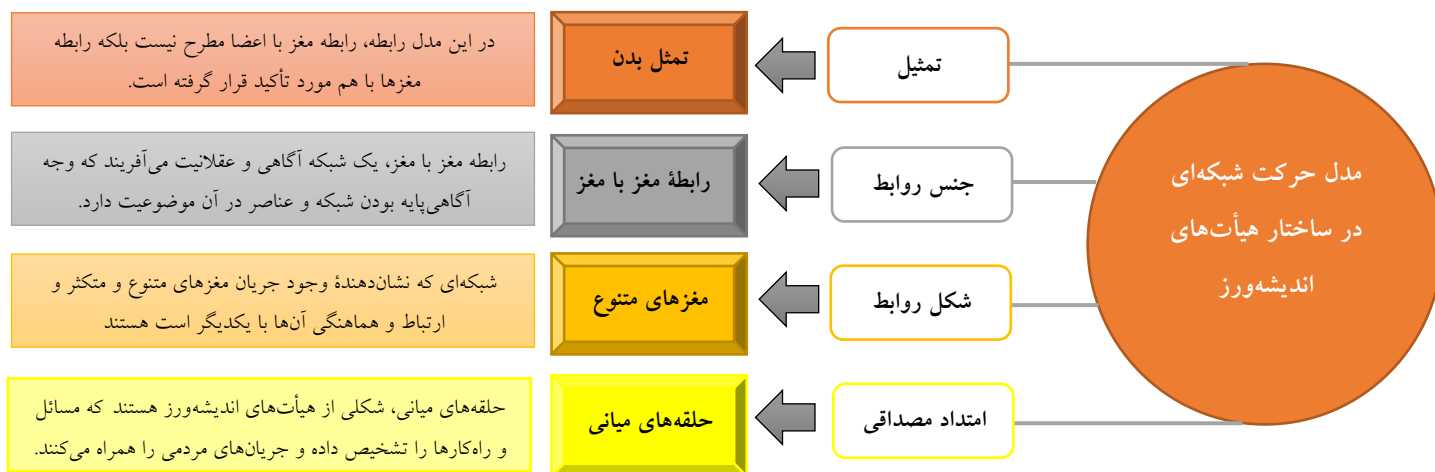
به نظر می‌آید بنیان نظریه شبکه‌سازی مقام معظم رهبری در تمثیلی است که ایشان از حرکت بسیج و هیئت‌های اندیشه‌ورز در آن بیان کرده‌اند:

«هیئت اندیشه‌ورز در بالاترین سطوح بسیج که برای کل مجموعه بسیج بنشینند خط‌نگاری کنند، راهبردنگاری کنند. ما راهبردانندیشانی را لازم داریم که بنشینند و کارشان فقط این باشد؛ این از مهم‌ترین کارها است. مثل راهبردانندیشان نظامی که در همه‌جای دنیا هم معمول است، به قول خودشان استراتژیست‌های نظامی که می‌نشینند و تکلیف جنگ را، کار نظامی را مشخص می‌کنند ... نمی‌گویم مثل یک عضو از بدن؛ نه، چون اعضای بدن درست است که حرکت می‌کنند، اما همه اسیر مغزند؛ مغز می‌گوید ببین، مغز می‌گوید بشنو، مغز می‌گوید بگو یا حرکت کن؛ مغز فعال است. در بسیج این جوری نیست که فقط از مرکز بگویند بگو؛ نه، مثل این است که هر عضوی خودش یک مغزی داشته باشد که با آن مغز اصلی که در سر است هماهنگ باشد - که این هماهنگی البته راه‌هایی دارد - یک چنین حالتی به وجود خواهد آمد.»

ایشان از تمثیل بدن اما با یک تفاوت مهم استفاده کردند و رابطه‌ای متفاوت را میان لایه‌های بسیج ترسیم می‌کنند؛ در این مدل رابطه، رابطه مغز با اعضا مطرح نیست بلکه رابطه مغزها با هم مورد تأکید قرار گرفته است. رابطه مغز با مغز یعنی ترسیم یک شبکه آگاهی و عقلانیت دارد؛ شبکه‌ای که نشان‌دهنده وجود جریان مغزهای متنوع و متکثر و ارتباط و هماهنگی آن‌ها با یکدیگر است هستند. در این مدل، اساساً وجه آگاهی پایه بودن شبکه و عناصر آن موضوعیت دارد.

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳.

## نمودار ۲- حرکت شبکه‌ای هیئت‌های اندیشه‌ورز



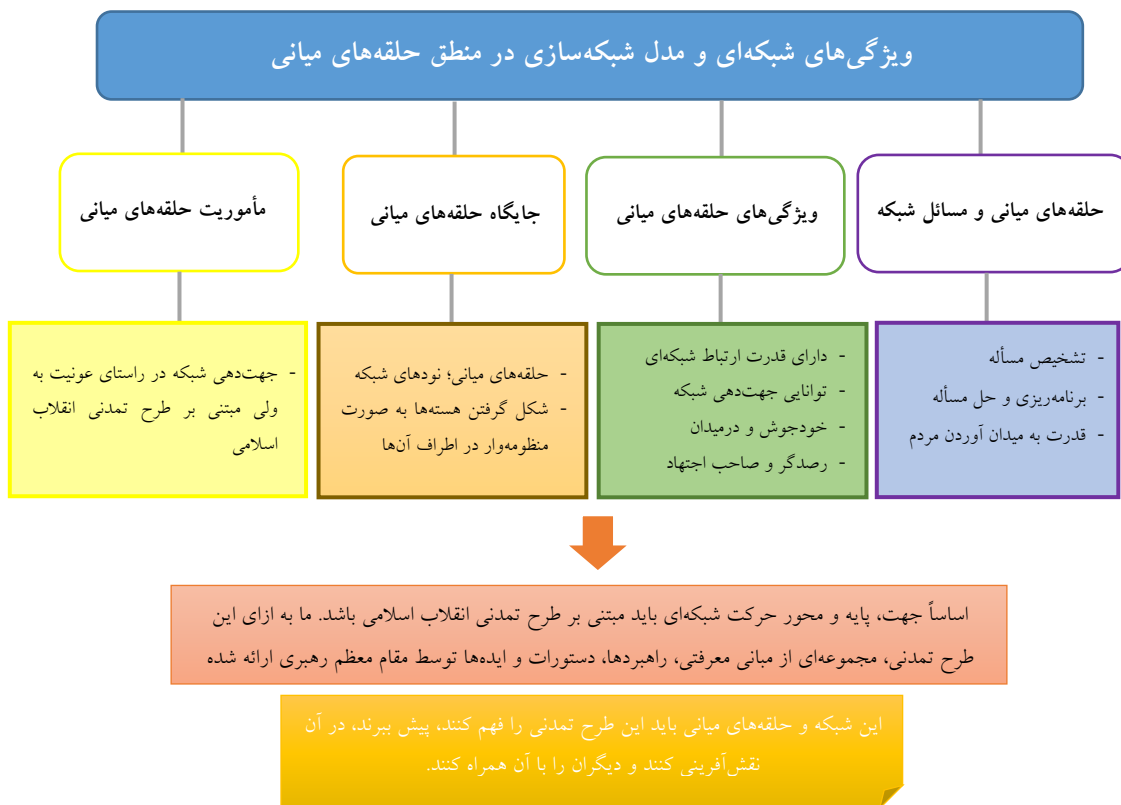
همچنین آن چیزی که مقام معظم رهبری پیرامون حلقه‌های میانی که در هر برهه‌ای از زمان مسائل را تشخیص می‌دهند، به راهکار می‌رسند و جریان‌های مردمی را به میدان می‌آورند، به این تمثیل نزدیکی زیادی دارد.

«در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است ... بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست؟ راهکارهای عملی احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتوان این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش برد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولان خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. شکل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند و هر که در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱.

در واقع حلقه‌های میانی، شکلی از هیئت‌های اندیشه‌ورز هستند؛ هیئت‌های اندیشه‌ورز نیز راهبردانند، رصدگر و تحلیل‌گر هستند و این‌ها در نقطه‌نقطه مسائل، عقل تشکیلات بسیج و تشکیلات جبهه فرهنگی می‌شوند و این منطق از صدر تا ذیل شکل می‌گیرد. هیئت‌های اندیشه‌ورز و عناصر متفکر دارای اجتهاد باید در مسائل گوناگون، نقش‌آفرینی جدی کنند و شبکه عقلانیتی که پایگاه به پایگاه، هیئت به هیئت، مسجد به مسجد شکل می‌گیرد باید بتواند با هم ارتباط شبکه‌ای بگیرند؛ ارتباطی که همچون نگاه غالب در سازمانی و تشکیلاتی بالا و پایین نیست و هرمی نیست. برخلاف تصور رایج، اغلب شبکه‌ها به صورت هرمی نیستند، بلکه صفحه‌ای است که عناصرش حضور داشته و با هم ارتباط می‌گیرند. این شبکه، اساساً اندیشه‌پایه است و عناصر آن وجوه حلقه میانی شدن را دارند؛ به نحوی که قدرت تشخیص مسئله و ایجاد بدنه برای خودشان دارند، خودجوش هستند، صاحب اجتهاد بوده، در میدان هستند، رصدگر تحلیلی میدان هستند و برای حل مسائل به طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند. در این میان، باید بتوان شبکه را از طریق حلقه‌های میانی که میدان مخاطب داشته و قدرت به میدان آوردن بدنه اجتماعی همچون نوجوانان، زنان، دانشجویان را دارند، مدیریت و هدایت کرد.

### نمودار ۳- منطق حرکتی حلقه‌های میانی



### ۱-۳. حلقه‌های میانی و قدرت شبکه‌سازی

در واقع حلقه‌های میانی همان نودهای شبکه<sup>۱</sup> هستند که در اطراف آن‌ها هسته‌هایی به صورت منظومه‌وار و خودجوش شکل گرفته‌اند. ارتباط میان هسته‌ها و اعضای آن با حلقه میانی به شکل ارتباط سازمانی و قواعد تشکیلاتی نیست که افراد نیرو و عنصر حاضر در تشکیلات حلقه میانی باشند و این حلقه میانی برای آن‌ها تعیین و تکلیف کند. از آنجا که برخی حلقه‌های میانی آگاهی و قدرت توانمندی هسته‌ها و برقراری ارتباط شبکه‌ای با آن‌ها را ندارند، در این ورطه گرفتار می‌شوند و افراد توانمند را تبدیل به نیروی سازمانی یا تشکیلاتی خود می‌کنند. حلقه میانی باید قدرت ارتباط شبکه‌ای و جهت‌دهی به شبکه را داشته باشد. اساساً جهت، پایه و محور حرکت شبکه‌ای است که باید مبتنی بر طرح تمدنی انقلاب اسلامی باشد. ما به ازای این طرح تمدنی، مجموعه‌ای از مبانی معرفتی، راهبردها، دستورات و ایده‌ها توسط مقام معظم رهبری ارائه شده است. مبتنی بر این امور، باید بتوان شبکه‌ای ایجاد کرد که در مقام «عونیت و یاری رساندن به ولی» برای این طرح تمدنی باشد؛ لذا این شبکه و حلقه‌های میانی باید این طرح تمدنی را فهم کنند، پیش ببرند، در آن نقش‌آفرینی کنند و دیگران را با آن همراه کنند.

### ۲-۳. وضعیت امروز جبهه فکری - فرهنگی

به نظر می‌رسد امروز بیش از ۹۰ درصد از عناصر فعال و بدنه کنشگران جبهه فکری - فرهنگی، طرح تمدنی مقام معظم رهبری را متوجه نشده‌اند، نسبت به آن غفلت دارند و با آن ارتباط برقرار نکرده‌اند. بسیاری از ایشان اساساً نمی‌دانند تمدن اسلامی چیست، این طرح تمدنی چه ویژگی‌ها و چه شئون تحولی دارد و همچنین نمی‌دانند کار تشکیلاتی ناظر به طرح تمدنی باید دستخوش چه تحولاتی شود؛ لذا عموم عناصر فعال در جبهه فکری - فرهنگی، امروز متوجه وضعیت زمانه نیستند و «گام دوم انقلاب اسلامی» صرفاً لفاظی و عبارتی تهی از معنا بر زبان آن‌ها است و طبیعتاً رهبری نیز سخن به شکوه و گلایه باز می‌کنند؛ حال اینکه ایشان ایده‌های تحولی در زمینه جریان‌های جهادی، رسانه‌ای، هیئات، کنش‌گری بانوان، نظام‌های تربیتی و ... در میدان عمل و حرکت به سمت پیشرفت دارند و برای آن‌ها تولید ادبیات کرده‌اند اما گوشه‌ای برای شنیدن این ایده‌ها وجود نداشته است؛

<sup>۱</sup> نود (Node) یا گره، همان نقطه اتصال در شبکه هستند.

لذا امروز باید شبکه‌ای با رویکرد تحولی برای پیش‌بری طرح تمدنی انقلاب اسلامی شکل گیرد؛ امروز نمی‌توان طرح تمدنی انقلاب را پیش برد مگر آنکه با رویکرد تحولی به مقوله جهاد، مردم، نهضت زنان، رسانه و ... پرداخته شود.

### ۳-۳. مبانی نظری شبکه‌سازی

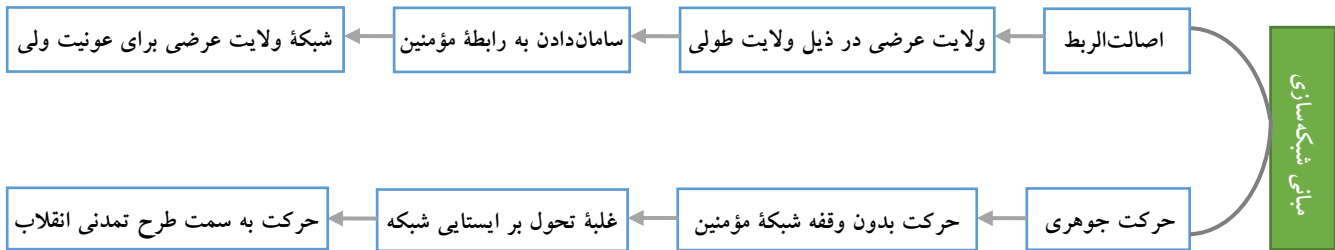
یکی از مبانی نظری شبکه‌سازی، نظریه ولایت است. در نظریه ولایت، دو نحو از ولایت مطرح است: الف) ولایت طولی؛ ب) ولایت عرضی. ولایت طولی از بالا به پایین است؛ مانند آنکه ولایت معصوم در طول ولایت الهی است و ولایت فقیه در طول ولایت معصوم. ولایت عرضی، ولایت مؤمنین است و به رابطه مؤمنین و سامان دادن آن با یکدیگر اشاره دارد. یکی از ابرنظریه‌هایی که مبانی نظری شبکه‌سازی را شکل می‌دهد، نظریه «ولایت عرضی» است؛ شبکه‌ای ولایی است که رابطه بین مؤمنین را بتواند به‌مثابه یک جبهه و پیوستار در راستای طرح تمدنی انقلاب اسلامی سامان دهد؛ لذا ولایت عرضی در ذیل ولایت طولی قرار دارد<sup>۱</sup> و به همین دلیل است طرح تمدنی مقام معظم رهبری که همان طرح تمدنی انقلاب اسلامی است، برای تحقق نیازمند شبکه ولایت عرضی در راستای عونیت ولی و رهبر جامعه است و براین اساس، روابط مؤمنین باید ذیل طرح امام امت شکل دیگری به خود بگیرد. قرآن کریم در آیه ۷۱ سوره توبه بیان می‌کند: ﴿والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یمونون الصلوٰة و یؤتون الزکوة و یطیعون الله و رسوله اولئک سیرحهم الله ان الله عزیز حکیم﴾ (و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید، که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است). در این آیه ولایت عرضی، نسبت و ربط مؤمنین با یکدیگر در ذیل اطاعت الهی مورد توجه واقع شده است. براین اساس، در مبانی نظری شبکه‌سازی، دو اصل مهم که از فلسفه اسلامی اخذ شده است را می‌توان نورد توجه قرار داد؛ الف) اصالت‌الربط؛ ب) حرکت جوهری صدرایی که مبتنی بر آن هر تحولی بر ایستایی غلبه پیدا می‌کند.

<sup>۱</sup> طرح تمدنی مقام معظم رهبری، همان ولایت طولی فرض شده است.

<sup>۲</sup> وجود ربطی از نوآوری‌های «حکیم ملاصدرا» است، بر اساس بحث «اصالت الوجود»، وجود معلول‌ها و ممکن‌ها، «وجود فقری» برشمرده می‌شوند و عین اضافه اشراقی و ربط به علت خویش به شمار می‌آیند.



#### نمودار ۴- مبانی نظری شبکه‌سازی در منطق انقلاب اسلامی



#### ۳-۴. همراهی با طرح ولی

با رجوع به تاریخ ائمه علیهم‌السلام، می‌توان به این امر واقف شد که هر امام و ولی‌امر در زمان خود، طرحی را پیش می‌بردند که اگرچه در پیوستار غیرقابل تفکیک از طرح امام پیشین بود، اما به اقتضای زمان ماهیت دگرگونی به خود می‌گرفت و طرحی متفاوت جلوه می‌نمود؛ تا آنجا که برای اصحاب و یاران شک و شبهه پدیدار می‌گشت که آیا این راه، همان راه امام پیشین است؟ لذا تفاوت ماهیت طرح هر کدام از در زمانه‌ها و اقتضائات گوناگون مختص به خود اگر و عدم فهم این طرح جدید در نسبت با طرح پیشین توسط اعوان و انصار ولی، ایشان و جامعه را از عونیت ولی عقب می‌داشت. چنان‌که طرح امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ۲۵ سالی که حق ایشان غصب شد را باید ناظر به نیروسازی گسترده دانست؛<sup>۱</sup> به نحوی که وقتی ایشان بر مسند حکومت قرار گرفتند، بیش از ۵۰۰ کارگزار را که تا پیش از آن، از بسیاری از ایشان ذکری در تاریخ نبوده است، به کار گماشت.<sup>۲</sup> اما در دوره امام باقر علیه‌السلام و به‌خصوص امام صادق علیه‌السلام طرح ولی، بسط علم است؛ در طول ۱۰۰ سال که اجازه نقل حدیث و روایت از پیامبر اکرم ممنوع بود و بسیاری از کتب از بین رفته و به آتش کشیده شده بود و دین دچار تحریف شده بود، می‌بایست از حیث علمی این مسیر بازسازی می‌شد و مؤمنین در نسبت با ولی، باید نظام روابطشان را سامان می‌دادند و نهضت کتابت و نقل حدیث را در سراسر جهان اسلام از طریق ایجاد شبکه مدارس، کرسی‌های درس، مناظره و ... شکل می‌دادند.

براین اساس، باید طرح ولی در زمان خود را فهم کرد و متناسب با آن به عونیت او پرداخت؛ نمی‌توان مبتنی بر زمانه حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام با طرح صلح امام حسن مواجهه پیدا کرد که در این صورت مؤمنانی چون

<sup>۱</sup> برخلاف برخی که معتقد به خانه‌نشینی امیرالمؤمنین (ع) در این مدت هستند، اما طرح ایشان را باید در راستای تربیت نیرو دانست.

<sup>۲</sup> ر.ک: سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین (ع)، علی اکبر ذاکری، نشر بوستان کتاب قم.

سلیمان صرد، قیس بن سعد، سعید بن عبدالله، حجر بن عدی و ... که از انصار امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، در نسبت با صلح امام مجتبی علیه السلام، با اکراه همراهی می کنند به گونه ای که برخی امام را مذل المؤمنین خطاب کرده و برخی از امام حسن علیه السلام روی برگردانده و برخی پیشنهاد قیام به امام حسین علیه السلام می دهند که با مخالفت ایشان و لزوم پای بندی به عهدنامه بسته شده روبه رو می شوند<sup>۱</sup>. حتی انسان های بزرگ ممکن است طرح امام را متوجه نشوند و همچنین است که افرادی چون ابن جعفر<sup>۲</sup>، سلیمان ابن صرد خزاعی<sup>۳</sup>، ابراهیم ابن مالک اشتر<sup>۴</sup>، مسیب بن نجبه، و ... طرح امام حسین را نفهمیدند و با طرح ولی فاصله پیدا کردند. اینان اساساً طرح امام حسین را نفهمیدند؛ طرح او یک تحول بزرگ تاریخی مبتنی بر «شاء الله أن یراک قتیلاً» است. طرح او معنادار کردن فلسفه خلقت بشریت ایجاد جریان اصلاح بزرگ تا الی الابد تاریخ است؛ طرح اصلاح امت پیامبر الی الابد؛ تا در هر زمانی امت اسلامی اراده کرد، الگوی بزرگ تاریخی امام حسین علیه السلام جلوی چشم ایشان باشد. چنان که قیام های تاریخ همه به او اقتدا کردند؛ لذا نباید حرکت قیام امام حسین علیه السلام را به آن لحظه تاریخی محدود کرد، زیرا امام به دنبال ایجاد یک جریان اصلاح بزرگ در طول تاریخ است. بسیاری از کوفیانی که شیعه و محب اهل بیت بودند و تنها در قیام توابین تعداد آن ها به ۴ هزار نفر می رسید و اکثر ایشان یمنی شیعه بودند؛ به دست امیرالمؤمنین علیه السلام شیعه شده بودند و اساساً امیرالمؤمنین علیه السلام به همین دلیل کوفه را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد؛ چراکه چون اکثر محبین و شیعیانش آنجا بودند. اما همین شیعیان، طرح امام حسین علیه السلام را نفهمیدند و بسیاری از آن ها فکر می کردند امام حسین علیه السلام شهید نمی شود و نهایتاً با سخت شدن شرایط، امام تن به صلح می دهد<sup>۵</sup>.

<sup>۱</sup> ر.ک: حسین (ع) از زبان حسین (ع)؛ زندگی و زمانه امام حسین علیه السلام از زبان ایشان، محمد محمدیان، نشر معارف.

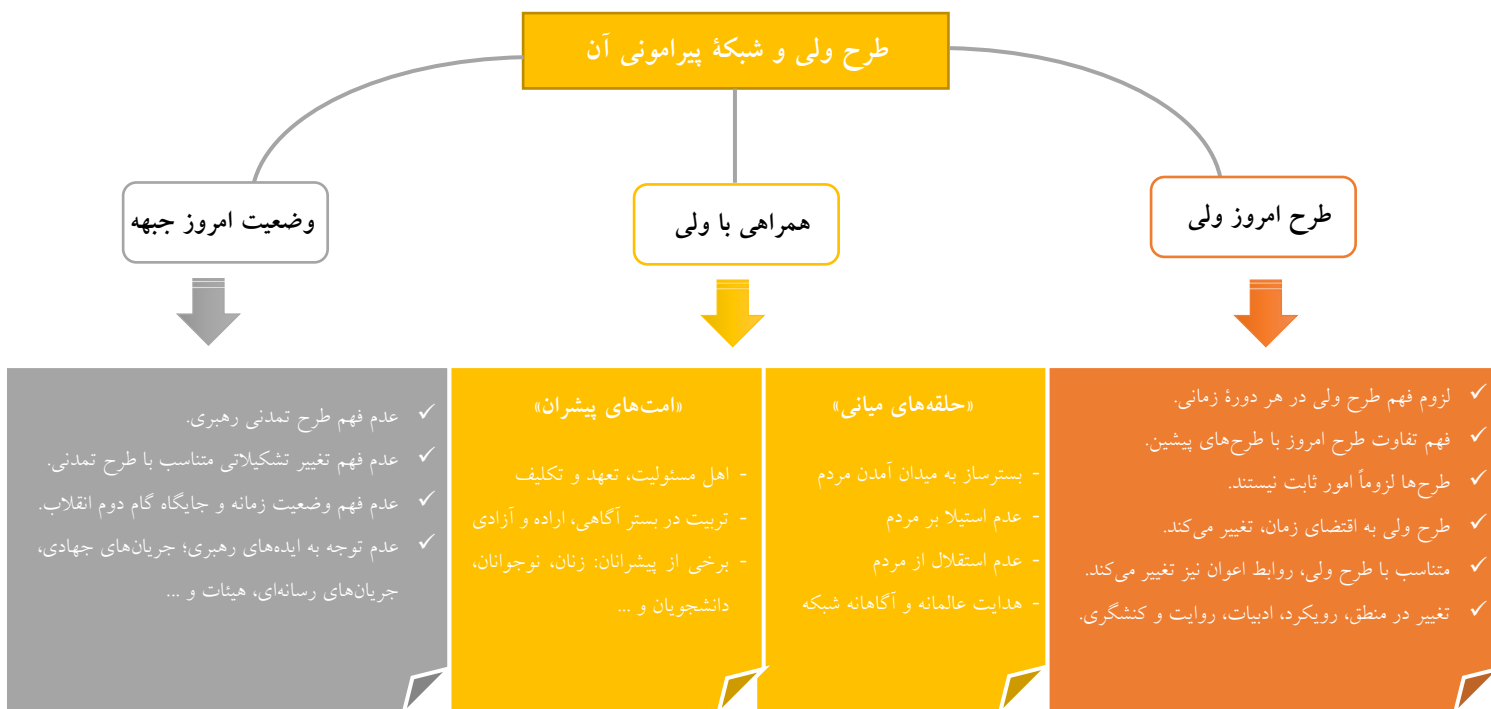
<sup>۲</sup> ابن جعفر فرزند جعفر طیار، صحابه بزرگ پیامبر اکرم (ص) و پسرعموی سیدالشهدا (ع) است. این فرد انسانی بخشنده، اهل کمک، با سخاوت و انسانی خوش نام بوده است. حتی در ماجرای کربلا فرزند خودش را تقدیم امام حسین (ع) می کند ولی خودش نمی رود و به حضرت می گوید که جنگ با یزید عواقب سوئی دارد و به نتیجه نمی رسد. بهتر است با تعامل با این ها برخورد کنیم. به امام حسین (ع) می گوید: «از مکه خارج نشو. من از کاری که تو آهنگ انجام آن را کرده ای، نگران هستم، ترس دارم خود و خاندانت را به هلاکت بسپاری.» این جملات نشان دهنده این است که او احساس می کند فهم مستقلی در مقابل فهم امام حسین (ع) دارد. (سلیمانی امیری، جواد؛ چه کسانی امام حسین را یاری نکردند، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آیت العظمی خامنه ای)

<sup>۳</sup> سلیمان بن صرد از بزرگان کوفه و آدم خوبی بود. ابن سعد در کتاب «الطبقات الکبری» درباره سلیمان می نویسد: «کان کثیر الشک و الوقوف»؛ یعنی شخصیتش به گونه ای بود که خیلی در کارها تردید به دل راه می داد و توقف می کرد. او به علت معرفت ناقص به امام حسین (ع)، ضعف تحلیل و فقدان بصیرت، از قافله عاشورا دور ماند. او روز عاشورا به یاری امام نیامد، در حالی که می دانست سیدالشهدا برحق است و یزید از ریشه فاسد است، اما شک کرد و نیامد. (همان)

<sup>۴</sup> از زندگی ابراهیم پیش از پیوستن به مختار آگاهی در دست نیست جز آن که گفته اند در صفین در زمره یاران علی بن ابی طالب (ع) و در رکاب پدرش مالک اشتر با معاویه جنگ کرد. در مجموع احتمالاتی نسبت به ملحق نشدن وی به امام حسین وجود دارد: الف) عدم آگاهی از خروج امام؛ ب) کوتاهی کردن.

<sup>۵</sup> در مکالمه ای که از حر در تاریخ ثبت شده است، حر ابن یزید ریاحی به ابن سعد در روز عاشورا می گوید: «واقعا می خواهی با این مرد (امام حسین) بجنگی؟» این امر نشان از این است که حتی حر که خود امام را در کربلا متوقف کرده بود نیز باور به برپا شدن جنگ نداشت.

## نمودار ۵- طرح ولی و شبکهٔ اعوان و انصار حول آن



### ۵-۳. طرح امروز ولی

مسألهٔ طرح ولی در هر زمانه‌ای و سامان دادن روابط اعوان و انصار او مبتنی بر آن، از اهمیت زیادی برخوردار است و عصر غیبت نیز مستثنی از این امر نیست؛ چرا که ولی فقیه، در مقام حکمرانی و ولایت بر جامعه نیابت امام زمان را برعهده داشته و لذا فهم طرح ولی فقیه در هر دوره‌ای و تفاوت آن با طرح‌های پیشین اهمیت زیادی دارد؛ براین اساس، نمی‌توان مبتنی بر طرح امام خمینی (ره) در قبل از انقلاب، در زمان اکنون شروع به فعالیت و برنامه‌ریزی کرد، بلکه باید مبتنی بر طرح امروز رهبری، شبکه ولایی حول محور ولی را شکل داد. بارها در طول تاریخ این امر اثبات شده است که وقتی از طرح ولی فاصله گرفته شده است، جبهه حق ضربه‌های سخت و شگرفی را خورده است. این طرح‌ها لزوماً امور ثابتی نیستند و اگرچه در راستای طرح کلان انقلاب اسلامی است اما به اقتضای حوادث و تغییراتی که جامعه با آن مواجه است، تغییر می‌کند؛ لذا وقتی به صورت اجتهادی به بیانات مقام معظم رهبری رجوع می‌شود، می‌توان این امر را دریافت که طرح امروز ایشان در حوزه‌های گوناگون با طرح ۱۰ سال پیش ایشان متفاوت است و نمی‌توان با طرح ۱۰ سال پیش ایشان، با مسائل و چالش‌های امروز روبه‌رو شد. امروز کسانی که با عنوان مکتب امام، به طرح بحث‌های سال ۶۰، ۶۴ و ۶۶ امام خمینی (ره)

استناد می‌کنند و قائل به پیشروی طرح انقلاب مبتنی با آن هستند، نگاه جامانده تاریخی دارند؛ لذا اگرچه باید دیدگاه‌های امام را با رویکرد اجتهادی مورد مطالعه و فهم قرار داد اما باید آن را نسبت به طرح امروز ولی تفسیر، فهم و اخذش کرد.

### ۱-۵-۳. حلقه‌های میانی و امت‌های پیشران

امروز مقام معظم رهبری، در حال پیش‌بری طرحی تمدنی است که درهم‌تنیده با تحول است و مابازای آن تحولی بزرگ را در جریان‌های انقلابی و اجتماعی حکمرانی نوین و نظم اجتماعی باید بتوان رقم زد. در این طرح تحولی، شکل‌گیری امت‌های پیشران اهمیت زیادی دارد و این امر نیازمند ایجاد منطق، رویکرد، ادبیات، روایت و شیوه‌های کنش‌گری جدیدی است که حول آن شبکه‌ای از کنشگران شکل گیرد؛ اساساً این طرح تمدنی، مبتنی بر شبکه‌سازی پیش می‌رود و از جمله امت‌های پیشران در این شبکه، نوجوانان پیشران هستند که باید در بستر آزادی، آگاهی و اراده تربیت شوند، اهل مسئولیت، تعهد و تکلیف باشند، نقش پیشرو داشته باشند و جامعه را با خود همراه کنند.

### ۲-۵-۳. تفاوت نظریه پیشرانی اجتماعی با رهبری اجتماعی

باید توجه داشت که این پیشرانی، با نظریه‌های رهبری در روان‌شناسی اجتماعی متفاوت است؛ چراکه در این نظریه‌ها رهبری با رویکردی قهرمان فردیت‌گر که ناظر به انسان غرب مدرن است، تعریف می‌شود و با واقعیت‌های اجتماعی همخوانی ندارد. تمثیل رهبران و پیشرانان ما باید همچون کوه باشد و نه برج. در تمثیل کوه، قله‌ها بر روی دامنه و کوهپایه قرار دارند و قله اعتبارش به آن‌هاست؛ اما در تمثیل برج، قهرمان‌ها به ناگاه سر برمی‌آورند؛ لذا است که مقام معظم رهبری، قهرمانی چون حاج قاسم را مبتنی بر مکتب معرفی کرده و او را ماحصل مکتب انسان‌ساز اسلام و انقلاب اسلامی می‌داند. حلقه‌های میانی، مبتنی بر نظریه حرکت اجتماعی، پیشران اجتماعی هستند؛ به این معنا که موجی از حرکت اجتماعی را خلق می‌کنند و خودشان در رأس این موج، مبتنی بر علم و آگاهی آن را هدایت کرده و پیش می‌برند. در این حرکت اجتماعی، حلقه‌های میانی بر مردم استیلا ندارند و محوریت و فردیت ندارد؛ برخلاف جریان رهبان اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی آنلاین همچون اینستاگرام که محوریت اینفلوئنسرها بر مدار نفسانیت و فردیت است، حلقه‌های میانی با مردم حرکت کرده و

دارای شخصیت مستقل و برتر نیستند و اساساً حرکت‌های با محوریت یک فرد سلبریتی، در منطق دینی ما جایی ندارد. در نظریه پیشرانی اجتماعی، اصالت با به میدان آمدن و قیام مردم است<sup>۱</sup> و حلقه‌های میانی تنها میدان را برای مردم فراهم می‌کنند. امروز در جوامع غربی، نقش‌آفرینی ستارگان و سلبریتی‌ها در شبکه‌های مرتبط با نظم آن‌هاست و برنامه‌هایی همچون اینستاگرام، تلگرام، فیس‌بوک و ... چنین نقشی را در شبکه‌سازی ایفا می‌کنند درحالی‌که این پدیده اساساً با پیشرانی اجتماعی و شبکه‌سازی مبتنی بر آن متفاوت است؛ بنابراین در اندیشه امامین انقلاب اسلامی، امام بدون امت بی‌معناست؛ جریان امام و امت در کنار هم حرکت کرده و پیش می‌روند.

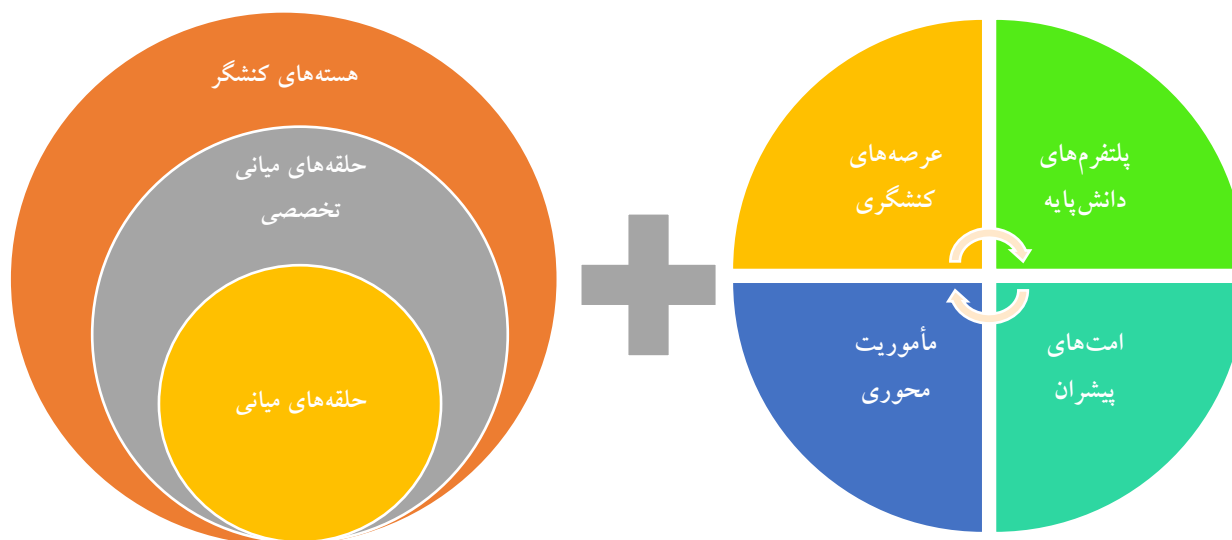
#### ۴. مدل شبکه‌سازی مبتنی بر حلقه‌های میانی

امروز در حرکت‌های مبتنی بر شبکه، دو مدل از شبکه‌های ساده و پیچیده مطرح هستند. چنان‌که پیش‌تر ذکر شده، شبکه‌های ساده را غالباً بر اساس تمثیل روابط ریشه‌ها، تنه، شاخ‌ها و برگ‌ها و همچنین تمثیل اقمار، سیارات، منظومه‌ها و کهکشان‌ها توضیح و تبیین می‌کنند؛ به‌نحوی که اقمار در مداری به دور سیاره‌ها و سیارات در مداری به دور خورشید و منظومه‌ها در نسبتی با یکدیگر درون کهکشان‌ها و فراتر قرار می‌گیرند و شبکه‌ای را شکل می‌دهند. اما در مدل‌های پیچیده، نظام‌های ارتباطی متنوع و متکثری وجود دارد و در شبکه ارتباطی انسانی از ماندگاری بیشتری برخوردار هستند. مبتنی بر طرح بحث حلقه‌های میانی و رابطه مغزها با یکدیگر، به نظر می‌رسد شبکه روابط آن، شبکه‌ای پیچیده است که در آن حلقه‌های میانی، حلقه‌های میانی تخصصی، هسته‌های کنشگران اعم از نوجوانان، جوانان، زنان و ... روابط گوناگون و متنوعی را برای تحقق یک امر شکل می‌دهند؛ هرچه حرکت حلقه‌های میانی و هسته‌های کنشگر به سمت تخصصی‌شدن پیش برود، این شبکه پیچیدگی‌های بیشتری را پیدا می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان هسته‌های متنوع را ناظر به «عرصه‌های کنشگری» مختلف در نظر آورد؛ همچون هسته‌های محیط‌زیست، خانواده، جهادی و ... علاوه بر این، اگر «مأموریت‌محوری» را نیز در عرصه‌های کنشگری ضرب شود، منطق شبکه از ساده‌بودن به سمت پیچیده‌شدن پیش می‌رود. همچنین در گام بعدی اگر مجموع حرکت را در نسبت مؤلفه کلیدی «امت‌ها یا قشر پیشران» در نظر گرفته شود، متغیرهای

<sup>۱</sup> لَيْقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/ آیه ۲۵). مبتنی بر این آیه، مردم هستند که قیام به قسط می‌کنند.

سه‌گانه‌ای ایجاد می‌شود که اساساً نظام ارتباطی متفاوتی را رقم می‌زند و در کنار آن‌ها، «ایجاد جریان‌های دانش پایه پلتفرمی» مبتنی بر آموزش هسته‌ها، ارائه بسته‌های محتوایی، سیر مطالعاتی و ... به آن‌ها نیز می‌تواند به مانایی روابط شبکه کمک کند و آن را به سمت تبدیل به شدن به شبکه‌ای مبتنی بر محتوا سوق دهد. در گام بعدی باید بتوان جغرافیا را در تمام ابعاد شبکه ضرب کرد؛ به این معنا که هر حلقه میانی و هسته‌های مختلف طبیعتاً در جغرافیا و فرهنگ منطقه‌ای خود در حال فعالیت و کنشگری است؛ به‌عنوان مثال در استان، شهرستان، شهر، روستا و ... مبتنی بر عرصه‌ها و قشرهای پیشران مشترک باید مجموع کنشگران در جغرافیاهای مختلف به یکدیگر پیوند بخورند و بتوانند حرکت وسیعی معطوف به جهتی مشخص را رقم بزنند؛ بنابراین، این پیوند در لایه‌های متعددی از ارتباط حلقه‌های میانی با یکدیگر تا ارتباط هسته‌ها با یکدیگر باید شکل گیرد.

شکل ۴- پیچیدگی‌ها و تنوع مدل شبکه‌سازی مبتنی بر حلقه‌های میانی



#### ۴-۱. نظام ارزیابی شبکه‌سازی مبتنی بر حلقه‌های میانی

مبتنی بر نظام متنوع ارتباطات در شبکه، داده‌هایی در اختیار قرار می‌گیرد که بر اساس آن می‌توان شبکه را مورد ارزیابی قرار داد و جهت، سرعت، کمیت و کیفیت آن را بررسی کرد و ناظر به آن طراحی‌های گوناگونی را انجام داد تا شبکه نقصان‌هایش رفع شده و به مزیت‌هایش افزوده شود؛ یکی از طراحی‌های جذابی که برای این شبکه می‌توان در نظر گرفت، ایجاد رقابت‌های عامدانه و مبتنی بر آگاهی در میان جریان حلقه‌های میانی است و علاوه بر آن سبب می‌شود ارتباط گرفتن حلقه‌های میانی با هم و ایجاد رقابت میان آن‌ها، به خود ایشان یک نظام ارزیابی به یکدیگر ارائه دهد تا از مزیت‌های یکدیگر استفاده کنند و نقاط ضعف خود را بر طرف کنند.

از آنجاکه منطق شبکه‌سازی حلقه‌های میانی مبتنی بر حرکت‌های جنبشی، جوششی و نهضتی است، در ارزیابی حرکت شبکه و چگونگی نیروسازی و تربیت افراد، شمارش رویش‌ها بر ریزش‌ها اولویت پیدا می‌کند. برای فهم بهتر، مقایسه دو مدل حرکت را می‌توان مقایسه کرد؛ الف) مؤسسه اسلامی مدارس المهدی؛ ب) جمعیت کشفه امام المهدی. مدارس المهدی<sup>۱</sup>، مؤسسه وابسته به حزب‌الله لبنان است و به صورت خصوصی و در ۱۷ منطقه مختلف لبنان فعالیت می‌کند. این مؤسسه بزرگ‌ترین مؤسسه در مناطق شیعه لبنان است. در کنار این مؤسسه، حزب‌الله لبنان حرکت دیگری را نیز پیش می‌برد که عبارت است جمعیت کشفه امام المهدی<sup>۲</sup> (عج)؛ این سازمان کودکان و نوجوانان بین ۸ تا ۱۶ سال را تحت پوشش دارد و فعالیت‌های گسترده‌ای دارد و یکی از جدی‌ترین، مؤثرترین و قدیمی‌ترین اقدامات فرهنگی حزب‌الله لبنان است؛ به‌عنوان مثال در اردوهای پیشاهنگی، در کنار مهارت‌های گوناگون ورزشی، فعالیت‌های جمعی مثل سرود و ... محتواهای عقیدتی، تربیتی و دینی نیز آموزش داده می‌شود. حزب‌الله لبنان، بر اساس این دو حرکت، دو نظام متفاوت برای نیروسازی دارد؛ مدارس المهدی مانند ساختار مدارس غیرانتفاعی، شروع به ارزیابی، مصاحبه گرفتن و گزینش افراد کرده و افراد منتخب را رشد و تربیت می‌دهند. در این مدارس، ارزیابی حرکت مبتنی بر ریزش است؛ هرچقدر ریزش‌ها کمتر باشد، حرکت بهتر ارزیابی می‌شود، زیرا مجموع افراد گزینش شده در نهایت بهترین جوانان و نوجوانان از بهترین خانواده‌ها با بهترین شاخص‌ها هستند. ریزش حتی مقدار کمی از آن‌ها، باعث نگرانی مسئولین آن می‌شود. اما در

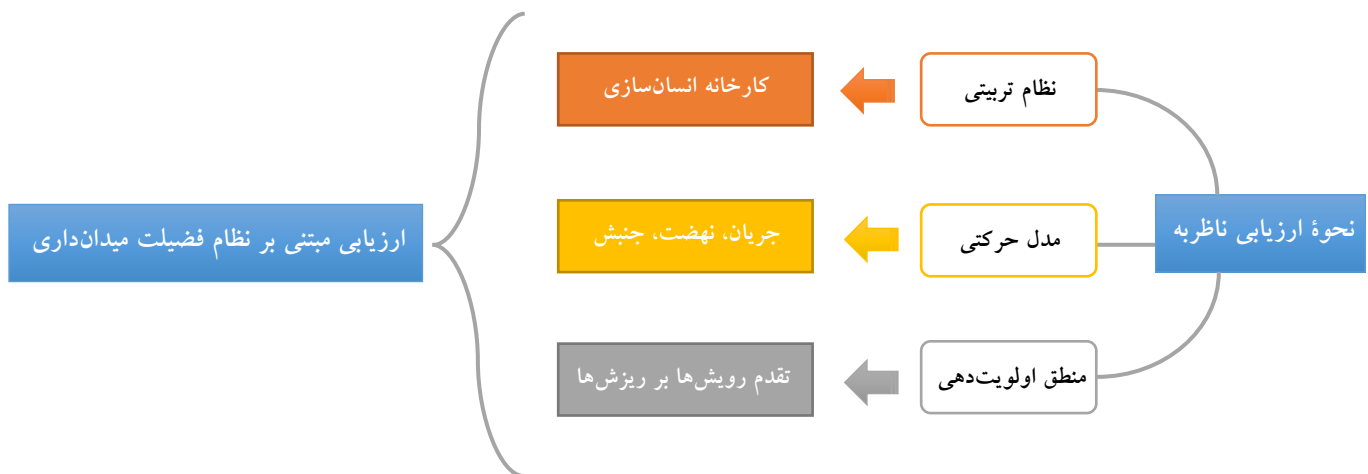
<sup>۱</sup> دکتر حسین یوسف، مدیر کل مؤسسه اسلامی مدارس المهدی حزب‌الله لبنان است.

<sup>۲</sup> سازمان پیشاهنگی امام مهدی (عج)؛ شیخ نزه فیاض، رئیس سازمان پیشاهنگی المهدی است.

مدل کشفه المهدی که مدل جنبش پیشاهنگی است نه تنها شیعیان، بلکه اهل تسنن و مسیحی‌ها نیز وارد می‌شوند. در این مدل، ارزیابی مبتنی بر رویش‌ها است که هر مقداری در نهایت پای این حرکت بایستند، نسبت به میزان کل مطلوبیت دارد؛ به‌عنوان مثال، در مدارس المهدی از ۱۰۰ نفر ورودی در نهایت ۷۰ نفر باقی می‌ماند اما در اردوهای پیشاهنگی، از ۵۰۰ نفر ورودی ۱۰۰ نفر باقی می‌ماند. در نتیجه ثمره‌ای که حزب‌الله لبنان از کشفه المهدی داشته است بسیار بیش‌تر از مدارس المهدی بوده است<sup>۱</sup>.

شبکه حلقه‌های میانی و هسته‌ها کنشگران نیز همچون حرکت کشفه المهدی است و نظام ارزیابی آن به‌جای تربیت فرد فرد انسان‌ها، آن‌ها را وارد کارخانه انسان‌سازی می‌کند که مبتنی است بر ایجاد جریان، نهضت و جنبش در میان حلقه‌ها و هسته‌ها و به میدان آوردن آن‌ها؛ لذا در این مدل، بیش از نگرانی در مورد ریزش‌ها، امید داشتن به رویش‌ها اصالت دارد؛ اساساً کسانی که در شبکه تبلور و ظهور و بروز دارند از قسم رویش‌ها هستند و بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان در سال ۱۳۹۸ اصالت را به نظام فضیلت میدان‌داری می‌دهند که هر که در میدان فعال‌تر و مؤثرتر باشد، زمام کار به دست او خواهد بود و اساساً منطق حلقه‌های میانی و پیش‌بری گام دم انقلاب مبتنی است بر میدان‌داری برای حل مسأله و ایجاد شبکه عمومی حول آن.

#### نمودار ۶- مدل ارزیابی حرکت شبکه



<sup>۱</sup> بیش از ۳۰۰ شهید از شهدای حزب‌الله لبنان تا به امروز، از حرکت کشفه المهدی بوده‌اند.



## ۲-۴. منطق مدیریت مالی شبکه

تجربه نشان داده است مدل تزریق‌های مالی حاکمیتی به شبکه، مدل ابرهای بهاری است که ممکن است به صورت غوغاسالارانه سروصدا و طوفان برپا کند و در نهایت رگباری بزند اما به سرعت آسمان صاف و آفتابی می‌شود. تجربه‌های متعددی از ستادها، قرارگاه‌ها، معاونت‌ها و ... را می‌توان در لایه‌های مختلف حاکمیتی مثال زد که علی‌رغم داشتن بودجه‌های بسیار زیاد در حوزه فرهنگ اما نتوانستند در این حوزه تحولی را بیافرینند؛ لذا این تزریق‌های مالی ناگهانی به حرکت‌های پایدار در میدان و حل مسأله ختم نشده است. همچنین تزریقات مالی معطوف به جریان‌های مرجع و الگو نیز تجربه شکست خورده‌ای بوده است؛ امروز در کشور مجموعه‌های مرجع زیادی وجود دارند که علی‌رغم گرفتن پول از سازمان‌ها و نهادهای مختلف، تأثیری در حوزه فرهنگ از خود به جای نگذاشته‌اند. مدل تزریق مالی دیگر ناظر به پروژه‌های بزرگ است؛ یعنی به تأمین مالی یک مجموعه که در مدل پیشین به آن پرداخته شد، بودجه به پروژه‌های بزرگ تعلق می‌گیرد. این مدل اگرچه در برخی مواقع نتیجه‌بخش و در میدان مؤثر بوده است اما آثار مخربی را به شبکه وارد می‌کند و غالباً منطق آن برخلاف شبکه‌سازی است، به گونه‌ای که در نهایت شبکه‌ای خلق نمی‌شود.

مدیریت منابع مالی و تزریق آن در شبکه باید به گونه‌ای باشد که وارد جریان جهت‌سازی به شبکه شود و این اتفاق در میدان رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، مدیریت مالی شبکه باید مبتنی بر ایجاد و توانمندسازی زیرساخت‌های زیست‌بوم و خلق عملیات‌های مشترک در جهت شبکه‌سازی و قوام بخشیدن به آن باشد. به عنوان مثال، برای ایجاد یک شبکه قدرتمند گردشگری، به جای خرج میلیاردها پول برای گردشگری، می‌توان فراخوان بزرگی داد و گروه‌های علاقه‌مند به گردشگری اعم از هیئت‌ها، گروه‌های جهادی، علاقه‌مندان به محیط‌زیست، مجموعه‌های مردمی و ... را حول مسأله «گردشگری تمدنی» جمع کرد و با آموزش، تشریح وظایف و سوق دادن آن‌ها به میدان عمل، برای رفع نقایص و ایجاد زیرساخت تزریق مالی را به آن‌ها انجام داد. براین اساس، می‌توان یک شبکه جدید خلق کرد که حول یک گفتمان و عملیات مشترک، تغییرات قابل‌اعتنایی را در میدان رقم می‌زنند. این مدل تزریق مالی، به خلق شبکه خام شده و مقوم آن خواهد بود.

در این میان برخی به اشتباه قائل‌اند که جبهه فکری - فرهنگی بحران مقبولیت ندارد بلکه بحران آن محرومیت و نداشتن بودجه مناسب برای فعالیت است. تجربه‌های گوناگون مؤید نادرست بودن این سخن و به

شکست انجامیدن این ایده است؛ چنان‌که بسیاری از قرارگاه و سازمان‌ها همچون قرارگاه خاتم‌الاولیا و سازمان تبلیغات اسلامی این بودجه را در اختیار جبهه قرار دادند اما حرکتی در میدان و ناظر به حل مسأله حول آن شکل نگرفته است و اگر بوده بسیار کم‌فروغ بوده است.

## ۵. شبکه‌سازی و ایجاد جریان قدرتمند اجتماعی

شبکه‌ای که وارد تعاملات و ارتباطات گسترده با مردم می‌شود و توان این را دارد که درون خود به گفتمان‌سازی و تداوم شبکه‌سازی بپردازد، می‌تواند وارد مرحله جریان‌سازی و خلق جریان‌های اجتماعی قدرتمند شود. برای این مهم، شبکه باید واجد ویژگی‌هایی باشد.

### ۵-۱. ویژگی‌های شبکه جریان‌ساز

هر شبکه‌ای نمی‌تواند به ایجاد جریان‌های اجتماعی ختم باشد. شبکه‌ای این توان را دارد که دارای ویژگی‌هایی باشد از جمله اینکه شجاع، تحول‌گرا، نوآور و غیریت‌ساز باشد؛ بدین معنا که بتواند حدودی را تعیین کرده و حرف شجاعانه و جدیدی را به میدان آورده و آن را پیش ببرد، به‌نحوی که بتواند تفاوت و تمایز خود با دیگران را مشخص کند. در این میان گفتمان، ایدئولوژی و هویت مرکزی شبکه کمک زیادی به جریان‌سازی می‌کند و جریان‌هایی همچون انجمن حجّیه، دوم خرداد و ... نمونه‌هایی از این جریان‌سازی هستند که ابتداء آن‌ها بر هویت و ایدئولوژی بوده است. براین اساس، شبکه باید از درون ارتقا و رشد کمی و کیفی داشته باشد تا بتواند جریان‌ساز باشد؛ همچون جریان‌های مردمی چون حرکت‌المحرومین امام موسی صدر، جریان جماعت تبلیغی، جریان تبشیری، جریان اسلامیة المعرفه، جریان اخوان‌المسلمین و ... برخی از این جریان‌ها لزوماً مسأله اجتماعی نداشتند و با این وجود در باقی مانده‌اند. چراکه بیش از مسأله آنچه اهمیت داشته آیین و تیپ‌های مشترک و داشتن رهبر قدرتمند در شبکه است که به عملیات‌های مشترک میان عناصر شبکه ختم شده است.

## ۲-۵. مهم ترین الگوهای شبکه سازی

### ۱-۲-۵. الگوی شبکه سازی امام خمینی (ره)

امروز الگوهای شبکه سازی زیادی وجود دارد اما بزرگ ترین الگویی که در تاریخ معاصر می توان سراغ آن را گرفت، الگوی شبکه سازی امام خمینی (ره) است. امام خمینی (ره) از مدل جمعیتی فداییان اسلام، مدل حزبی و شرکتی، مدل تهییجی آقانو الله اصفهانی، مدل مرجعیت نجف، رهبران مشروطه و ... عبرت گرفت و به هیچ کدام از آن ها روی نیاورد. امام خمینی (ره) مبتنی بر فهم نظام شبکه ای، به سراغ تأسیس حزب، جمعیت و ... نرفت؛ بلکه در یک تعامل شبکه ای گسترده و مبتنی بر درک ویژه از نظام ولایت، تمام این مدل ها را با خود همراه کرد؛ به نحوی که جریان های رقیب احساس می کردند ارتباط و قرابت بیش تری با امام دارند. در نتیجه مدیریت و هدایت هوشمندانه خرده جریان ها، شبکه ها و خرده شبکه های مختلف توسط امام خمینی (ره) و قرار گرفتن مدل های مختلف کنشگری آن ها در کنار یکدیگر، جریان بزرگ انقلاب اسلامی رقم خورد. در این میان از ویژگی های امام می توان این امر اشاره کرد که پایه ریزی و هدایت این شبکه گسترده را مبتنی بر آگاهی و عقلانیت بوده است و براساس آن توانست بدنه امت را به میدان بیاورد. امروز برخی بر این باورند که نظریه انقلاب های رنگی که در اتاق های فکر آمریکا شکل گرفت، پس از انقلاب اسلامی بازسازی شد بدین معنا که چگونه می توان انقلاب هایی را شکل داد که نظام سازماندهی سابق را نداشته باشد. امروز این الگوی بزرگ شبکه سازی بی نظیر پیش چشم قرار دارد و می تواند مبدأ اثر باشد. همان طور که امام خمینی (ره)، مبتنی بر همین مدل قواعد جبهه و عقلانیت و ارتباطات هسته ها توانست جنگ ۸ ساله را پیش ببرد.

### ۲-۲-۵. الگوی شبکه سازی انجمن حجتیه

از الگوهای دیگر حرکت شبکه ای، می توان به الگوی انجمن حجتیه اشاره کرد؛ پدیده ای که امروز بخشی از انگاره های دینی جامعه ما و رسانه و هنر ما از آن متأثر است. انجمن حجتیه پس از دستور انحلال توسط، از قواعد یک مجموعه تشکیلاتی منسجم به سمت قواعد یک مجموعه شبکه ای تغییر مسیر داد و تأثیراتش نشان از وجود و پویایی اش دارد. اثرات آن ناظر است به آیین سازی، انگاره سازی، گفتمان سازی، فرهنگ سازی و ... اما فاقد شخص یا نقطه محوری است؛ انجمن حجتیه امروز حدود ۴۰۰ مدرسه در سراسر کشور دارند که با یکدیگر

ارتباطات شبکه‌ای دارند که گویا شورایی فرادستی ارتباطات شبکه را هدایت می‌کند اما نمی‌توان آن را شناسایی کرد.

### ۳-۲-۵. الگوی شبکه‌سازی اعتراضات و آشوب‌های ۸۸

در حوادث و فتنه سال ۱۳۸۸ ما با یک شبکه ارتباطات اجتماعی مواجه هستیم که سازمان‌های امنیتی داخل کشور نمی‌توانستند آن را فهم کنند. در حوادث رخ داده، سازماندهی اجتماعی مبتنی بر مدل شبکه‌ای بود نه بر اساس روابط جاسوسی افراد مشخص تا از طریق گرفتن آن‌ها بتوان به اعتراضات پایان داد. شبکه‌ها به‌خصوص زمانی که با بدنه‌های اجتماعی مردمی ارتباط برقرار می‌کنند و مبتنی بر ایدئولوژی محوری در میدان شروع به کنشگری می‌کنند، قدرت ایجاد جریان‌های اجتماعی گسترده‌ای را دارند که از مانایی و پایداری بسیاری برخوردار خواهد بود. اتفاقی که در حوادث ۸۸ سبب فروکشیدن آتش آشوب‌ها و اعتراضات شد، به میدان آمدن جریان گسترده‌تر مردم در مقابل جریان اعتراضات بود؛ جریانی که مبتنی بر شبکه امام و امت پیش می‌رفت و به‌محض هدایت از طریق مقام معظم رهبری، با به میدان آمدن و رقم زدن حماسه ۹ دی، جریان مردمی مقابل را از کنشگری منصرف کرد.

### ۴-۲-۵. الگوهای شبکه‌سازی در تاریخ اسلام

با رجوع به تاریخ اسلام و بررسی حرکت‌هایی که در تاریخ ائمه معصومین علیهم‌السلام توسط ایشان یا در عصر ایشان رقم خورده است، می‌توان به الگوهایی از حرکت‌های شبکه‌ای و هدایت آن‌ها توسط ایشان دست یافت. از آنجاکه اهل بیت علیهم‌السلام در مقام و وضعیت تقیه بوده‌اند، توانستند سازماندهی شبکه‌ای و ایجاد شبکه‌های قدرتمند را رقم بزنند. برخی از این شبکه‌ها در جهان اسلام عبارتند از شبکه نقابت، شبکه وکالت، شبکه فقاقت (نایبان عام) و ...

#### ۱-۴-۲-۵. شبکه نقابت

شکل‌گیری نهاد نقابت در قرن سوم هجری، نقطه عطفی در تاریخ اسلام است. سادات به دلیل انتساب به پیامبر، در جامعه اسلامی مقام و جایگاه ویژه‌ای به دست آوردند. هدف از این نهاد، اجتناب از شرایطی بود که سادات تحت نظارت غیر سادات قرار می‌گرفتند. با مهاجرت سادات به مناطق مختلف جهان اسلام، شبکه

گسترده‌ای از نقبا بر امور سادات نظارت می‌کردند. نهاد نقابت در حکومت بنی‌عباس ایجاد شد. نقیب، معمولاً از افراد بانفوذ انتخاب می‌گردید. در این میان، برخی از نقیبان در گسترش شیعه نقش پررنگی داشته‌اند و سیدرضی، سیدمرتضی و ابن‌طاووس از نقیبان مشهور هستند.<sup>۱</sup>

### ۲-۴-۵. شبکه وکالت

سازمان وکالت، تقریباً هم‌زمان با روی کار آمدن بنی‌عباس (۱۳۲ق.) و دوران امام صادق علیه‌السلام تأسیس و مبتنی به شبکه‌ای ارتباطی متشکل از امام معصوم علیه‌السلام و عده‌ای از شیعیان نزدیک و وفادار به ایشان بوده است. این سازمان با قرار گرفتن جامعه شیعه در عصر غیبت کبری و وفات علی‌بن‌محمد سمری، آخرین نایب خاص امام عصر علیه‌السلام (۳۲۹ق) - به معنای ارتباط خاص با امام زمان - منحل شد اما در قالب نیابت عام فقها با روند جدیدی حرکت خود را ادامه داد. این نهاد، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اهداف امامان معصوم علیهم‌السلام داشته است.<sup>۲</sup> در اندیشه تاریخی و کلامی شیعه، غیبت صغری به دوره‌ای از غیبت اطلاق می‌شود که امام زمان علیه‌السلام از انظار عمومی غایب بوده و نایبانی را انتخاب کرده و توسط آنان با شیعیان در ارتباط بوده‌اند. اساساً در همین دوران است که عنوان نیابت به‌مرور در حال برجسته‌شدن است و به نحوی در جایگاهی بالاتر از وکالت قرار می‌گیرد. در دوران غیبت صغری، چهار تن از اصحاب باسابقه امامان پیشین و از علمای پارسا و بزرگ شیعه بودند که «نواب اربعه» نامیده شده‌اند.

### ۲-۴-۵. شبکه فقاہت (نیابت عام فقها)

غیبت کبری زندگی مخفی طولانی‌تر امام دوازدهم شیعیان است که از سال ۳۲۹ق آغاز شده و تاکنون ادامه دارد. در غیبت کبری اگرچه امکان ارتباط با امام زمان وجود ندارد؛ اما برخی از وظایف امامت همچون ولایت و

---

<sup>۱</sup> این نهاد در دوره آل‌بویه و سلجوقیان اهمیت زیادی پیدا کرد و پس از سقوط حکومت عباسیان به دست هلاکوخان، مقام نقابت و احترام سادات باقی ماند و سپس در دولت ایلخانی مراکز به نام دارالسیاده برای خدمت به سادات ایجاد شد و در زمان عصر صفویه با وجود نقابت، بخشی از وظایف آن به عهده مقام صدارت گذاشته شد. در امپراتوری عثمانی نیز به تقلید از سلجوقیان مقام نقابت وجود داشت و تا اواخر دوره قاجاریه اداره نقابت فعالیت گسترده‌ای داشت.

<sup>۲</sup> ساختار و شالوده این سازمان به ظاهر برای جمع‌آوری و تحویل وجوه شرعی و پاسخگویی به مسائل و شبهات شیعیان به وجود آمد اما نقش این سازمان را نباید صرفاً در امور مالی و جمع‌آوری وجوهات خلاصه کرد؛ «در حقیقت سازمان وکالت زمینه‌ساز حضور فقها در بین شیعیان بوده که نهایتاً با توصیه‌ها و رهنمودهای واپسین امامان، به تثبیت جایگاه آنان به‌عنوان صاحب اختیار در کلیه امور جامعه شیعی در عصر غیبت انجامیده است» (نجفی‌نژاد، ۱۳۹۶؛ ۸).

رهبری باطنی و معنوی مردم همچنان پابرجاست<sup>۱</sup>. نیابت عامه به معنای جانشینی و نایب‌بودن عموم فقیهان به‌جای امام معصوم پس از دوران نیابت خاصه است. پس از درگذشت علی بن محمد سمري چهارمین نایب خاص امام در سال ۳۲۹ق، نماینده دیگری منصوب نشد و تمام ارتباطات مستقیم امام دوازدهم شیعیان با مردم و همچنین دوران وکالت پایان یافت. به‌عبارت‌دیگر، با شروع غیبت کبری، «سازمان وکالت» پس از حدود دو قرن فعالیت، به کار خود پایان داد و وظایف آن به‌صورت دیگری، توسط فقهای شیعه در دوران غیبت کبری ادامه یافت. از این‌رو، برخی «شبکه فقاها» را جانشین «شبکه وکالت» قلمداد نموده‌اند.

---

<sup>۱</sup> طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۳). شیعه در اسلام، قم: بوستان کتاب، ص ۳۳۶.